

## تکیه در جمله‌های انگلیسی

سید خسرو خاوری

استادیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

### چکیده

برای آن گروه از زبان‌آموزانی که به فراگیری مقدمات زبان انگلیسی می‌پردازند، مسئله تکیه در کلمات و جملات انگلیسی بسیار حائز اهمیت است. زیرا زبان انگلیسی از آن نوع زبان‌ها است که برای تلفظ صحیح واژه‌ها و جمله‌ها باید به تکیه و اوج و فرود صدا در آنها توجه خاص مبذول داشت. رعایت نکردن این مهم چه بسا موجب اشتباهات و سوء تفاهم‌های بسیار گردد.

در مقاله زیر در حد اجمال به این امر پرداخته شده است. به عبارت دیگر، مطالعه زیر را می‌توان کوشش مختصری دانست در جهت ترغیب بیشتر زبان‌آموزان به فراگیری این جنبه از زبان انگلیسی، که کمتر یا به‌ندرت صورت می‌پذیرد.

### کلیدواژه

تکیه، اهمیت، سوء تفاهم‌ها، قواعد.

### مقدمه

موضوع تکیه در فراگیری زبان‌های خارجی، به‌ویژه زبان انگلیسی، از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. تردید نیست که رعایت نکردن فشار یا تکیه در جمله‌ها مشکلات بسیاری برای زبان‌آموز پدید می‌آورد.

تکیه و جای آن در کلمات و جمله‌ها مبحث تازه‌ای نیست و نویسندگان و

پژوهشگران بی‌شماری بدان پرداخته‌اند. از آن جمله می‌توان روج را نام برد، که در اثر بارزش خود، به صورتی جدی و مشروح، نکات مربوط را متذکر شده است. به اعتقاد روج تکیه کلام عبارت از فشار نسبی بر یک هجا است (روج<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰، صص ۹۹-۱۰۳). برخلاف زبان فرانسه که معمولاً آخرین هجای کلمات آن تکیه‌دار است یا زبان لهستانی که هجای قبل از آخر آن تکیه‌دار است یا زبان چک که اولین هجای کلمه دارای تکیه است، تکیه واژه‌های زبان انگلیسی را نمی‌توان به سادگی مشخص نمود. تکیه در زبان انگلیسی امری است نسبتاً پیچیده. احتمالاً به این لحاظ است که اغلب صاحب‌نظران پیشنهاد می‌کنند که کلمات زبان انگلیسی را با علائم تکیه آنها فرا بگیریم.

در میان مثال‌های فراوان می‌توان به واژه record اشاره کرد که چنانچه هجای اول آن محکم‌تر تلفظ شود انگلیسی‌زبان‌ها آن را اسم تلقی می‌کنند، در حالی که اگر هجای دوم آن شدیدتر تلفظ شود آن را فعل در می‌یابند.

اینک، با توجه به مسئله فوق، پاسخ به این سؤال که «آیا رعایت تکیه صدا در واژه‌ها مهم است؟» قطعاً مثبت خواهد بود (کریدلر<sup>۲</sup> ۱۹۸۹، ص ۴۲).

چنان که اشاره شد، برای داشتن لهجه خوب، قرار دادن فشار یا تکیه صحیح بر کلمات و جملات در زبان انگلیسی مهم‌تر از هر زبان دیگر است. در انگلیسی اگر واژه‌ای را از این لحاظ غلط تلفظ کنیم، نه تنها آنچه را که می‌گوییم مفهوم نمی‌گردد، بلکه بدتر از آن، ممکن است گفتارمان موجب سوء تعبیر و استنباط نادرست گردد. موارد جالب و نکات قانع‌کننده‌ای در باب استعمال واژه‌ها، لهجه و تکیه صدا در کتاب کلارک و یالپ<sup>۳</sup> موجود است (۱۹۹۵، صص ۵۰-۵۵).

### بحث و بررسی

در این جا بررسی اصلی خود را به استناد بحث مشبعی مبنی بر بدفهمی‌ها و سوء تفاهم‌ها در زبان انگلیسی از طریق مثال‌های متداولی از کتاب کوچک ولی مفید استادان فرانسوی آغاز می‌کنم. از نظریات صحیح آنها در سرتاسر این مقاله استفاده کرده‌ام (کایت و جودیت وارد<sup>۴</sup> ۱۹۸۹، ص ۳۶).

1) P. Roach

2) C.W. Kreidler

3) J. Clark &amp; C. Yallop

4) C. Caillate &amp; M.A. Judith Ward

یکی از مهم‌ترین مغازه‌های لندن Selfridges نام دارد که تکیه صدا، همچون خط عمودی کوچک، بر روی اولین هجای آن قرار می‌گیرد: [ˈselfridʒes]. حال چنانچه تکیه کلام را بر روی سیلاب دوم آن قرار دهیم و مثلاً این جمله را ادا کنیم:

I'm going to Sel'fridges.

شنونده انگلیسی زبان می‌پندارد که می‌خواهیم بگوییم:

I'm going to sell fridges.

انگلیسی زبان‌ها توجه خاصی بر تکیه روی واژه‌ای که تلفظ می‌شود مبذول می‌دارند و بنابراین، رعایت نکردن آن سبب استنباط غلط واژه‌ای به جای واژه‌ای دیگر می‌گردد. به مثالی توجه کنیم.

تکیه کلمه متداولِ tourism بر روی اولین سیلاب آن است: [ˈtʊrɪzəm]. در گفتگوی زیر فرد خارجی تکیه صدا را بر دومین سیلاب آن قرار می‌دهد:

English: Why do you think it's a town with a future?

Foreigner: Tou'rism.

اما فرد انگلیسی زبان آن را two reasons می‌شنود و بلافاصله می‌خواهد آن «دو دلیل» را بداند.

مثال دیگر برای خودم اتفاق افتاد که گرچه مدت‌ها از آن می‌گذرد ولی خاطره تلخش را هرگز فراموش نمی‌کنم.

در آن هنگام که دانشجوی جوان و تازه‌واردی در لندن بودم، روزی برای خرید یک بسته سیگار به یکی از سیگارفروشی‌ها رفتم. از فروشنده خواستم:

Can I have a pack of Winston please?

و کلمه وینستون را به روال عادی گفتار در ایران [wɪn'stɒn] تلفظ کردم. فروشنده گفت:

Pardon me?

و من دوباره تقاضای خود را به تصور این که شاید کلمه خواهش می‌کنم را فراموش کرده‌ام تکرار کردم و گفتم:

Please give me a pack of Win'ston cigarette.

What do you want?

دیگر بار گفت:

پس از چندین بار تکرار همان درخواست و عدم درک درست فروشنده و تحمل

ژست تحقیرآمیزش در حضور دیگران، که پشت سر من در صف ایستاده بودند، سرانجام به پاکت‌های سیگار وینستونی که در پشت سر او در قفسه چیده شده بود اشاره کردم و درخواستم را تکرار کردم. او باز با همان لحن تحقیرآمیز و مصیبت‌بارش که جانم را بر لب رسانیده بود گفت:

Ah! you want 'Winston.

کاملاً بدیهی است که تلفظ اشتباه من به خاطر تکیه نابه‌جا روی هجای دوم کلمه وینستون موجب آن سوء تفاهم به ظاهر عمدی وی گردیده بود.

مثال‌های بالا و بسیاری دیگر می‌توانند اهمیت تکیه صدا را در تفهیم و تفاهم صحیح مفاهیم به زبان انگلیسی مدلل سازند.

اینک اجازه دهید به ویژگی جمله و این که چگونه باید در تلفظ مورد توجه قرار گیرد بپردازیم.

اصولاً جمله انگلیسی را نمی‌توان متشکل از تعدادی واژه‌های یک‌نواخت، ممتد و بدون فاصله دانست. برای مثال در جمله زیر

| If I'm shopping for clothes | or something like that | then I look in shops in town as well. |

هرکدام از این مکث‌ها که با خطی عمودی مشخص شده‌اند:

a group of breath or breath-group

گروه یک‌دم یا یک‌نفس (کایت ۱۹۹۵، ص ۴۳). باید توجه داشت که هر گروه یک‌دم می‌تواند از یک و یا چند واژه تشکیل گردد:

| Do you live in York? |

| No, | I live in Cloughton. |

قبل از آن که نقش breath-group را در مکالمه ببینیم، اجازه دهید ابتدا مثال زیر را بررسی کنیم:

| I think the poor girl has a right to a bit of privacy. |

در میان سیلاب‌هایی که در گروه مورد تکیه قرار گرفته‌اند، تنها یکی بیش از دیگران قابل ملاحظه است، یعنی privacy. روی همین سیلاب است که لحن صدا اوج و فرود دارد.

(۱) این اصطلاح را آقای کایت 'groupe de souffle' نامیده است.

این سیلاب را، که تکیه‌دار نامیده می‌شود، به صورت حروف سیاه در مثال‌های برگرفته از یک گفتگو نشان می‌دهم:

| – What about you? |

| – We're going to France again. |

این گردش یا حرکات صدا را، که زیر و بمی یا آهنگ صدا (intonation) می‌نامند، در زبان مکالمه، تکیهٔ هجا است را مشخص می‌کند و قاعدتاً در آخرین واژهٔ گروه یک‌دم قرار می‌گیرد:

| Perhaps she isn't very photogenic. |

| I thought she isn't absolutely fantastic. |

| Beauty is in the eye of the beholder. |

همچنان که خواهیم دید، قاعدهٔ فوق مطلق نیست.

در زبان انگلیسی محاوره‌ای، اطلاعات جدید (new information)، یعنی اطلاعاتی که برای اولین بار آورده می‌شود، و بر خلاف آن، اطلاعات قبلی (past information)، یعنی اطلاعاتی که قبلاً داده شده‌اند، اساسی و مهم به شمار می‌روند. در اکثر موارد، واژهٔ تکیه‌دار منطبق بر آخرین کلمه از کلماتی است که اطلاعات جدید را در بر می‌گیرند.

| This is Andrew Brown | and this is his wife | Jane Brown. |

در اولین دو گروه یک‌دم، واژهٔ تکیه‌دار (tonic) معمولاً در آخر واژهٔ lexical قرار می‌گیرد. در سومین گروه یک‌دم، Brown قبلاً ذکر شده است، بنابراین، مربوط به اطلاعات گذشته است و نمی‌تواند حامل تکیهٔ صدا باشد. مثال دیگر:

| Here's a cup of coffee | but I don't like coffee. |

واژهٔ coffee در دومین گروه یک‌دم اطلاعات گذشته محسوب می‌شود. اینک به جای تکیهٔ صدا در مثال زیر توجه کنید:

| She always makes a cuppa during the adverts. |

تصور بر این است که به واژه‌هایی که بعد از always می‌آیند قبلاً به عنوان اطلاعات گذشته در متن اشاره شده است. مثال دیگر:

| So you can still hear the ad | even if you see it. |

---

(۱) واژهٔ lexical دلالت بر اسم، فعل، قید و صفت دارد و از واژهٔ function، که دال بر افعال کمکی، حروف اضافه، حرف ربط و غیره است، جدا می‌گردد.

در این جمله‌ها به خاطر این که 'ad' قبلاً در متن ذکر شده است، بنابراین، اطلاعات گذشته محسوب می‌شود؛ در عوض، باید بر واژه‌های **hear** و **see** تکیه شود. توجه به مثال‌های فوق، اهمیت آشکار تکیه صدا در جمله‌ها را نشان می‌دهد. چامسکی مطلب را از نظر زبان‌شناسی به‌خوبی بیان کرده است (چامسکی ۱۹۶۸، صص ۸۶-۹۰). مع ذلك، برای زبان‌آموزانی که در کار آموختن مقدمات زبان اند قدری غیر قابل درک است. در عوض، مثال‌های آقای کایت عملی‌تر و قابل فهم‌تر است:

| I'm making an omelette. |

| But I hate eggs! | (کایت ۱۹۹۵، ص ۸۵)

می‌دانیم که املت از تخم مرغ درست می‌شود، لذا لفظ تخم مرغ نمی‌تواند واژه تکیه‌دار باشد، بنابراین، تکیه بر روی کلمه قبلی، که حاوی اطلاعات جدید است یعنی **hate**، قرار می‌گیرد.

قیدهای زمان و مکان، مانند امروز، دیروز، اینجا، آنجا، حامل واژه‌های تکیه در جمله‌ها نیستند:

| You promised you'd do the housework and shopping today. |

| I forgot to go to the bank yesterday. |

تکرار می‌کنم که، به استثنای موارد خاص، جای منظم تکیه صدا بر واژه آخر گروه یکدم قرار می‌گیرد. مثال‌ها:

| Where did you meet him? |

| Have you read *War and Peace*? |

| You will have to talk to him. |

در مثال‌های زیر می‌توانیم علل خاصی را که آخرین کلمه نمی‌تواند حامل تکیه صدا باشد ملاحظه کنیم:

| They liked the monkey's picture best. |

| They thought the artist had done it. |

همچنان که قبلاً اشاره شد، کلمه دارای تکیه از میزانی اهمیت در جمله برخوردار است، لذا در جمله اول 'monkey' اهمیت دارد زیرا عکس را توصیف می‌کند. در مثال

دوم مسئله این است که چه کسی فعل را انجام می‌دهد. بدیهی است که جواب «نقاش» است. به این ترتیب، در جمله‌های فوق، monkey و artist، نه هیچ واژه دیگری، می‌توانند واژگان تکیه‌دار باشند.

از مثال‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت که معنای جمله، در اکثر موارد، خیلی نزدیک به موقعیت واژه مورد تکیه است. به عبارت دیگر، هر نوع استفاده غیر واقعی از تکیه کلمه سبب اختلاف در معنا یا نکته تأکیدی جمله‌ای می‌شود که شخص قصد اظهار آن را دارد. در جمله

| Mary took the car. |

کلمه تأکیدی car است، اما در جمله

| Mary took the car. |

Mary مورد تأکید قرار گرفته است. حال اگر جمله‌های

| You aren't serious? | Well yes, I am actually. |

| Who is in charge here? | I am. |

را با هم مقایسه کنیم، در می‌یابیم که در جمله اول am واژه مهم است، در صورتی که در جمله دوم I، که هویت فاعلی جمله را در بر دارد، کلمه مورد تأکید است.

تا آنجا که به شکل تأکیدی کلمه ارتباط می‌یابد، افعال کمکی نیز می‌توانند حامل تکیه باشند.

| We did think | that once he was through university | he'd stand on his own feet. |

| I don't suppose you've heard of Thackeray. |

| I have heard of him. |

بسیاری از افعال با لفظ کوچکی (particle) تشکیل می‌شوند (هالیدی<sup>۱</sup> ۱۹۶۷، صص ۸۴-۸۷). چنانچه یک فعل با یک لفظ کوچک کلمه دیگری را متمم بگیرد، متمم حامل تکیه می‌گردد:

| Switch the light off. |

اما اگر فعل متمم نداشته باشد، لفظ کوچک تکیه‌دار می‌گردد:

| When you leave | switch it off. |

اسامی‌ای که مورد خطاب یا پرسش قرار می‌گیرند، حامل تکیه نمی‌شوند:

| Oh, come on, grandad |

| Tea, George? |

بعضی عبارات که اطلاعات اصلی را تکمیل یا لحن آن را ملایم کنند، حتی با داشتن یک واژه نیز حامل تکیه جمله نمی‌گردند:

| This will feel rather cold, I'm afraid. |

| You've got wrong, you know. |

| He'll be here any minute, I should think. |

### نتیجه‌گیری

علاوه بر آنچه بیان شد، مثال‌های فراوان دیگری هست که می‌توان گردآوری کرد، اما من این مبحث را با تأکید بر این نکته به پایان می‌رسانم که موضوع «تکیه در جمله‌های انگلیسی» در کتب و مقالات قابل توجه بسیاری آمده است. نگارنده بیشتر خواسته‌ام اهمیت تکیه را به اختصار در واژه‌ها و جمله‌ها نشان دهم و به استناد مثال‌هایی مدلل سازم که تکیه برای درک مفاهیم زبان انگلیسی ضروری است، تا حدی که رعایت نکردن آن در پاره‌ای از مواقع موجب بدفهمی و سوء تفاهم می‌گردد. مع ذلک، چنانچه زبان‌آموز خواهان کسب اطلاعات جامع‌تری باشد، مثلاً اگر بخواهد بداند که گوینده در تولید واژه تکیه‌دار چه فعل و انفعالات فیزیکی‌ای به کمک اجزای دهانش انجام می‌دهد تا شنونده را قادر به درک مشخص تکیه آن واژه سازد، و یا این که چگونه می‌توان هجای صحیح واژه تکیه‌دار را در الفاظ زبان انگلیسی انتخاب نمود، باید به منابعی که در پایان مقاله آمده، از جمله اثر ارجمند آقای پیتروچ که چندین بار مورد استناد این مقاله قرار گرفته است، مراجعه کند.

تصور کلی این جانب این است که برای آموختن زبان انگلیسی، چه مانند استاد هیلمن معتقد باشیم که آموزنده زبان باید کل کلمه را بیاموزد تا به شیوه حروف خوانی عادت نکند (هیلمن<sup>۱</sup> ۱۹۶۸، ص ۱۷)، چه بر این باور باشیم که ابتدا باید صدای صحیح حروف صدا دار را که در کلیه الفاظ وجود دارند فراگرفت تا کلمات را بهتر تلفظ کرد، و

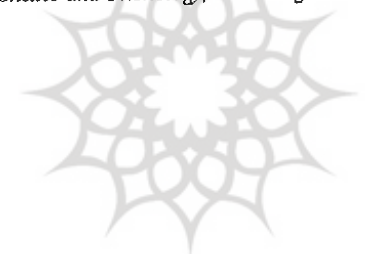
1) Arthur W. Heilman



چه به هر روش نوین دیگری متوسل شویم، ناگزیر از رعایت و درک و فراگیری نظام آوایی زبان خواهیم بود. به این منظور به قواعدی پیرامون تکیه کلمه در جمله اشاره کردم، همچنین به آقای کایت استناد کردم که به راستی معتقد است که تلفظ صحیح زبان انگلیسی مبتنی بر فراگیری و استنباط دقیق تکیه در کلمات است (کایت ۱۹۹۵، ص ۱۵)۔ امری که معلمان ما به صورت جدی به آن پرداخته و توجه نکرده‌اند.

### منابع

- Caillate, Claude et Judith Ward, *La Pratique Courante de L'Anglais*, Les Langues Modernes, Paris 1989.
- Clark, J., and C. Yallop, *An Introduction to Phonetics and Phonology*, Blackwell, Oxford 1995.
- Halliday, M.A.K., *Introduction and Grammar in British English*, Mouton, The Hague 1967.
- Heilman, A.W., *Phonics in Proper Perspective*, The Pennsylvania State University, America 1968.
- Kreidler, C.W., *The Pronunciation of English*, Blackwell, Oxford 1989.
- Roach, P., *English Phonetics and Phonology*, Cambridge University Press, U.K. 2000.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



پښتونستان ګاونډي علوم او مطالعات فرانسې  
پرتال جامع علوم انساني